

برخی اشکالات موجود در نظام آموزشی حوزه‌های علمیه

پناهیان: با وجود مقررات آموزشی

کنونی، کسب ملکه تقوا برای طلبه‌ها

دشوار است / «نظم» باید نتیجه تقوا و

برآمده از رعایت استقلال افراد باشد، نه

«مقررات سختگیرانه آموزشی» / نظام

موجود در مقررات مدارس علمیه، زمینه

کسب تقوا را در خیلی‌ها تضعیف

می‌کند / تاکید بر سه عنصر «استقلال،

ادب و تعاون طلاب» روش رسیدن به

«نظم، درس و معنویت» اصیل و

ارزشمند

پناهیان: مدرسه‌ای که می‌خواهد فرایند صحیحی برای رسیدن به وضع مطلوب داشته باشد، باید بر سه ویژگی تأکید کند، که عبارتند از: «استقلال، ادب و تعاون» این ویژگی‌ها در کنار هم می‌تواند فضای مناسب رشد برای رسیدن به نظم، تحصیل موفق و مراتب عالی معنویت را فراهم کند.

مراسم افتتاحیه و آغاز سال تحصیلی جدید «حوزه علمیه دارالحکمه» که پنج سال از تأسیس و اداره آن تحت اشراف حجت الاسلام علیرضا پناهیان می‌گذرد در حسینیه دارالحکمه برگزار شد. حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان در این مراسم ضمن بیان سه ویژگی مهم مدرسه علمیه برای ایجاد فضای مناسب رشد و تربیت، به ذکر برخی اشکالات موجود در نظام آموزشی فعلی حوزه پرداخت که در ادامه فرازهایی از این سخنرانی را می‌خوانید:

سه ویژگی مهم مدرسه علمیه، برای ایجاد فضای مناسب رشد: «استقلال، ادب و تعاون»

• معمولاً این‌گونه تلقی می‌شود که مدرسه علمیه باید سه ویژگی مهم داشته باشد تا مدرسه موفق باشد، این سه ویژگی را اکثراً

«نظم، درس خواندن و معنویت» می‌دانند. اگرچه این سه ویژگی، مهم است و می‌تواند تا حدی شاخص موفقیت یک مدرسه باشد اما این سه ویژگی لزوماً نشان‌دهنده فرایند صحیح تعلیم و تربیت در یک مدرسه نیست!

● آنچه برای یک مدرسه باید مهم باشد، رسیدن به سه شاخص «نظم، درس خواندن و معنویت» به هر قیمتی نیست؛ بلکه طریق رسیدن به این سه ویژگی است که اهمیت دارد و فرایند تعلیم و تربیت را شکل می‌دهد. مدرسه جایی است که باید فرایند صحیح تعلیم و تربیت را فراهم کند. اگر بدون توجه به مسیر تربیت، تنها به نتایج موفقیت توجه کنیم، گاهی از هر وسیله‌ای برای تحقق نتایج استفاده خواهد شد.

● مدرسه‌ای که می‌خواهد فرایند صحیحی برای رسیدن به وضع مطلوب داشته باشد، باید بر سه ویژگی تأکید کند، که عبارتند از: «استقلال، ادب و تعاون» این ویژگی‌ها در کنار هم می‌تواند

فضای مناسب رشد برای رسیدن به نظم، تحصیل موفق و مراتب عالی معنویت را فراهم کند.

چرا «رعایت استقلال» در مدرسه مهم است؟ استقلال یکی از عناصر کلیدی برای رسیدن به تقواست

● چرا «استقلال» در مدرسه مهم است؟ منظور از رعایت استقلال این است که برای پرورش انگیزه‌های درونی فرصت بدهیم. نظمی که بدون رعایت استقلال شخصیت افراد در مدرسه برقرار شود اولاً معلوم نیست که نظم مستمر و مداومی باشد. ثانیاً آثار خوبِ نظم بر چنین نظمی غالباً مترتب نخواهد شد، چون یک نظم تحمیلی از بیرون است. ثالثاً برخی از افراد شایسته‌ی تعلیم و تربیت را نمی‌تواند به نظم دریاورد.

● نظم باید از درون افراد جوشیده باشد و درس خواندن هم باید با انگیزه‌ای درونی باشد. استقلال یکی از عناصر کلیدی تقواست. اینکه امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمٍ

أمرکم» (نهج البلاغه/نامه ۴۷) مقصودشان نظمى برآمده از تقوا بود؛ نه هر نظمى!

خوب نیست مقررات سختگیرانه آموزشی، عامل نظم باشد/ نظم باید نتیجه تقوا و برآمده از رعایت استقلال افراد باشد

• برای یک محیط طلبگی، خوب نیست که مقررات سختگیرانه آموزشی، عامل نظم باشد. ما باید تقوا را در مدرسه تمرین کنیم. با این مقرراتی که در هر محیطی می تواند اجرا شود، دیگر چه تفاوتی بین محیط مقدس طلبگی با دیگر محیطها باقی می ماند؟ باید مقررات را کم کرد و فرصت به تمرین تقوا داد. وقتی مقررات به صورت مطلق حاکم شد، احساس مسئولیت و پاسخگویی در برابر پروردگار- که عنصر اصلی تقواست- فرصت رشد پیدا نمی کند. نظم باید نتیجه این تقوا باشد که برآمده از رعایت استقلال افراد است.

● البته ما در مدرسه خودمان با مقررات حوزه علمیه، همراهی می‌کنیم. اما می‌دانیم که این نظام آموزشی، آثار سوئی در به‌دست آوردن تقوا دارد. عنصر کلیدی تقوا نوعی «بازدارندگی درونی» است؛ یعنی اینکه انسان بین خود و خدای خود، کارهایش را مرتب کند، نه اینکه مرتباً از بیرون عواملی برای تنظیم فرد وجود داشته باشد.

با وجود مقررات آموزشی کنونی، کسب ملکه تقوا برای طلبه‌ها دشوار است

● با وجود این مقررات، کسب ملکه تقوا برای طلبه‌ها دشوار است. طلبه‌ای که با مقررات آموزشی و فشار حضور و غیاب، سر کلاس درس حاضر شود و امتحان بدهد، معمولاً از رشد کافی برخوردار نخواهد بود. چنین فردی بعدها چطور می‌تواند مردم را به تقوا دعوت کند؛ درحالی که خودش فرصت نیافته با تقوا زندگی کند، بلکه با مقررات زندگی کرده است؟! هرچند همیشه

افرادی هستند که با قوت روحی خود می‌توانند در هر شرایطی به کسب تقوا پردازند.

● مقررات و نظارت مستمر با برقراری نظام پاداش و جزای فوری و معین، فرصت‌انگیزه‌مند شدن برای رفتار از سر تقوا را-که پاداش و جزای آن در آخرت است- از انسان می‌گیرد. البته تقوا پاداش و جزایی دنیایی هم دارد ولی نامعین است و زمان و مکان آن معلوم نیست. همین معلوم نبودن پاداش و جزا، موجب رشد استقلال انسان و تمرین بهتر تقوا خواهد شد.

● براساس روایات، دوران اعمال مقررات و نظارت مستمر بر افراد، در هفت سال دبستان است. از چهارده‌سالگی به بعد، باید جوان احساس کرامت کند و به تمرین تقوا پردازد و اولیاء هم او را در این زمینه کمک کنند. البته امروزه شیوه تربیت در دبستان‌ها زیاد دقیق نیست و مشکلات هم از آنجا آغاز می‌شود، ضمن اینکه حوزه هم تأثیری در آن مقطع تحصیلی ندارد.

یکی از اشکالات نظام حوزه، امتحان‌گرفتن در هر نیم‌سال است/ بهتر است در پایان مقاطع تحصیلی طولانی‌تر، امتحان گرفته شود

• بر این اساس، یکی از اشکالات نظام حوزه، همین امتحان‌گرفتن سرِ نیم‌سال است. گویی ما نگران این هستیم که غالب طلاب انگیزهٔ شخصی قوی برای درس‌خواندن نداشته باشند و لذا می‌خواهیم با کنترل خودمان، آنها را درس‌خوان کنیم! درحالی‌که باید اجازه دهیم طلبه‌ای که نمی‌تواند انگیزهٔ تحصیلی خود را «قربتاً الی‌الله» قرار دهد، عدم موفقیت خود را در میان‌مدت ببیند. بهتر بود در پایان مقاطع تحصیلی طولانی‌تر، امتحان گرفته شود؛ مثلاً برای درس ادبیات، در پایان دو سال و نیم یا سه سال، امتحان ادبیات گرفته شود.

• شاید برخی بگویند: «اگر از طلبه‌ها امتحان نگیرید، ممکن است درس نخوانند!» در اینجا بحث استقلال را پیش می‌کشیم و می‌گوییم: یعنی واقعاً یک طلبه نمی‌تواند برای خودش انگیزه

درس خواندن و مطالعه ایجاد کند؟! آیا وجدان تحصیلی او نباید بیدار و فعال شود؟! مدرسه باید مراقب وجدان تحصیلی طلبه باشد نه اینکه با امتحان گرفتن، او را به یک موجود منفعل تبدیل کند.

طلبه‌ها در حوزه قدیم، بدون این مقررات، حتی بیشتر هم درس می‌خوانند

• کسانی که حوزه قدیم را تجربه کرده‌اند می‌دانند که طلبه‌ها در حوزه قدیم، بدون مقررات، حتی بیشتر هم درس می‌خوانند، چون هر طلبه‌ای خودش برنامه درسی خود را تنظیم می‌کرد و خودش حضور و غیاب می‌کرد. در آن فضا، خود طلبه‌ها برای تعیین استاد و هم‌مباحثه‌ای، تنظیم اوقات خود و موفقیت خودشان در تحصیل علم، انگیزه بالایی داشتند. اما حالا همه این انگیزه‌ها به مسئولین مدرسه سپرده شده است.

• اگر طلبه، استقلال خود را حفظ نکند و خودش را برای نظم حضور در کلاس و خوب درس خواندن، انگیزه‌مند نکند و بنا

باشد که همه رفتارهای او را مقررات آموزشی، مانند حضور و غیاب، کنترل کند، چگونه زمینه‌ای برای کسب تقوا برای او فراهم خواهد شد؟!

نظام موجود در مقررات مدارس علمیه، زمینه کسب تقوا را در بسیاری از افراد تضعیف می‌کند

• بی‌تردید نظام موجود در مقررات مدارس علمیه، نظامی است که زمینه کسب تقوا را در بسیاری از افراد تضعیف می‌کند و طلبه‌ها را به افرادی منفعل تبدیل می‌کند. در چنین محیطی، حتی اگر آنها قانون‌مدار هم بشوند، دیگر ارزشی ندارد؛ چون قانون‌مداری نباید از خوف مجازات قانونی باشد.

• البته از شما طلبه‌ها که در این فضای موجود درس می‌خوانید، می‌خواهم که استقلال خودتان را حفظ کنید؛ هرچند در چنین فضایی سخت است. الان ما مجبوریم طبق مقررات نظام آموزشی حوزه، از شما امتحان بگیریم، اما شما سعی کنید به‌خاطر امتحان درس نخوانید!

«رعایت استقلال» بدون تأکید بر «ادب» و «تعاون»، می‌تواند موجب بی‌نظمی در مدرسه شود

● تأکید بر استقلال افراد در مدرسه، به‌تنهایی ممکن است موجب بی‌نظمی شود، اما در کنار استقلال، دو عنصر دیگر هم هست که تعادل ایجاد می‌کند؛ یکی از آنها «ادب» است و دیگری «تعاون».

● اگر به استقلال بچه‌ها به‌ها بدهیم ولی ادب و حیا را در مدرسه باب نکنیم، در این صورت بی‌نظمی پیش می‌آید. ادب یک ریشه در حیا دارد و یک ریشه در ولایت‌مداری دارد. آسیب‌های رعایت استقلال با افزایش اقتدار معنوی و قانونی مسئولان مدرسه، قابل جبران خواهد بود.

ادب نسبت به مسئولان مدرسه، نوعی تمرین ولایتمداری است / همه‌چیز را به قوانین سپرده‌ایم و نقش مدیر و معلم را کم کرده‌ایم!

● در مدرسه، باید ادب نسبت به مسئولان مدرسه را - که نوعی تمرین ولایتمداری است - تقویت کنیم. مثلاً اگر معاون آموزشی مدرسه، نظر بدهد که «این فرد، درس‌خوان نیست و شایستگی طلبگی ندارد» نظر ایشان باید مطاع باشد و آن طلبه باید اخراج شود. اگر معاون آموزشی این‌قدر قابل اعتماد باشد، طبیعتاً او نوعی «ولایت» پیدا می‌کند.

● چرا ما همه‌چیز را به قوانین سپرده‌ایم و نقش مدیر، معاون و معلمان دلسوز مدارس را کم کرده‌ایم؟! البته ممکن است در یک جایی هم نظر معاون آموزشی مدرسه صحیح و صائب نباشد! بله، اما آفات و آسیب این مسئله کمتر از آن است که قضاوت‌های خودمان را به مقررات آموزشی محدود کنیم.

• این بی‌احترامی به معلم است که به جای ملاک‌قراردادنِ نظر او دربارهٔ یک طلبه، از او بخواهیم امتحان بگیرد و برگهٔ امتحانی را به مرکز بفرستد! چرا؟ برای اینکه «ممکن است استاد حوزه، تقوا را رعایت نکند؟!» نباید این‌طور باشد که هیچ محلی برای تقوای اولیاء مدرسه باقی نگذاریم.

هرچه دیوان‌سالاری در مدرسه تقویت شود، نظام ولایی در آن کمرنگ می‌شود

• هرچقدر دیوان‌سالاری را تقویت کنیم، نظام ولایی را در مدرسه کمرنگ کرده‌ایم و این به نفع محیطی که می‌خواهد افراد دین‌دار تربیت کند، نیست. ما باید فضایی ایجاد کنیم که بشود افراد در آن تقوا و ولایتمداری را تمرین کنند؛ همان‌طور که بچه‌ها در خانه، ولایتمداری را در ارتباط با پدر و مادر، تمرین می‌کنند.

• ما در مدرسهٔ خودمان «نظم بدون ناظم» را شعار قرار داده‌ایم. معنای نظم بدون ناظم، نظم بدون ناظر نیست که کسی در

مدرسه نظارت نکند. در نظام ولایی نظارت وجود دارد اما شیوهٔ اعمال نظارت بیشتر به اولیاء مدرسه سپرده می‌شود که متناسب با اقتضائات تک‌تک افراد عمل کند. ولیّ مدرسه، ممکن است مهلت بدهد و فوری با افراد خاطی برخورد نکند، بلکه او در یک فرآیند طولانی‌مدت با فرد خاطی برخورد کند.

عنصر تعاون موجب «تربیت تشکیلاتی» طلاب خواهد شد

• عنصر دیگری که در مدرسه باید مورد توجه قرار گیرد «تعاون» است. بچه‌ها باید بر اساس «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى» همدیگر را به‌نظم در بیاورند. مثلاً اگر برخی از طلبه‌ها دیر سر کلاس می‌آیند، بقیه باید به آنها تذکر دهند؛ نه اینکه بچه‌ها منفعل و غیرمسئول باشند و فقط معاون آموزشی طبق مقررات، تأخیرها و بی‌نظمی‌ها را تذکر دهد و نظم ایجاد کند!

• عنصر تعاون موجب تربیت تشکیلاتی طلاب خواهد شد. شهید مطهری، تشکیلات را لازمهٔ تعاون می‌دانستند، کسی که اهل

تشکیلات نباشد، نمی‌تواند فردا در جامعه تأثیر مطلوبی داشته باشند. این‌گونه تعاون‌ها و تعامل‌ها بین طلاب در مدرسه خیلی موجب تهذیب خواهد شد.

• ممکن است با قوانین دقیق و سختگیری مسئولان مدرسه، بتوان در مدرسه نظم ایجاد کرد، اما وقتی در شخصیت افراد، استقلال ایجاد نشود، و یا این نظم، برآمده از روحیه تعاون بین طلاب نباشد، این نظم چه ارزشی دارد؟! چون در این محیط، تعاون بر تقوا پرورش پیدا نکرده، و زندگی صحیح مسئولانه تجربه نشده است. این تقواست که ایمان را حفظ می‌کند و به کارها برکت و مقبولیت می‌دهد. **(إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛**
مائده/۲۷)

مقررات آموزشی در حوزه، باید تغییر و تقلیل یابد/
به‌جای نمره، باید نظر معلم حاکم باشد

• درس خواندن طلبه‌ها باید از روحیه تقوایی آنها استحصال شود، و به همین دلیل باید مقررات آموزشی در حوزه، تغییر و تقلیل

پیدا کند. به جای نمره، باید نظر معلم حاکم باشد. به جای حضور و غیاب، باید نظر معاون آموزشی حاکم باشد. به جای مسئولیت معاونت آموزش برای ایجاد نظم، باید تعاون بین طلبه‌ها پررنگ شود.

● ما سعی می‌کنیم در مدرسه، زمینه را برای کسب تقوا و تعاون بر تقوا فراهم کنیم، آن وقت همین تقوا، آدم را درس‌خوان هم می‌کند. کسی که بر اساس تقوا درس بخواند، هم خوب درس می‌خواند و هم خوب می‌فهمد و هم علمش برکت خواهد داشت.

کاش می‌توانستیم به‌جای بسیاری از مقررات آموزشی، این کلام تکان‌دهنده امام(ره) را به دیوار مدرسه بزنیم

● ای کاش می‌توانستیم به‌جای بسیاری از مقررات آموزشی، این کلام تکان‌دهنده حضرت امام(ره) را به دیوار مدرسه بزنیم که خطاب به طلبه‌ها فرمود: «اگر، خدای نخواست، درس نخوانید،

حرام است در مدرسه بمانید!» و این فرمایش حضرت امام را محل امر و نهی طلبه ها نسبت به یکدیگر قرار دهیم. البته باید آداب اخوت اسلامی هم رعایت شود.

● امیدواریم نظام مدرسه علمیه، این تفاوت را با نظامات دیگر محیط‌های آموزشی داشته باشد، و با مدیران و معلمان مثل کارمندان برخورد نشود و با محصلان علوم دینی، مانند افراد منفعلی که فقط با انگیزه رعایت مقررات درس می‌خوانند، برخورد نشود. ان شاء الله شما بتوانید این فضای مطلوب را در مدرسه خودتان ایجاد کنید.

